



## راه سوم مدیریت اقتصادی کشور

اقتصاد کوپنی یا آزاد؟ راه حل بحران‌های کنونی اقتصاد ایران چیست؟ این سؤالی است که معاون اول رئیس جمهوری از کارشناسان و اقتصاددانان کشور پرسیده است. برای پاسخ به آن ابتدا باید نگاهی اجمالی به دو اقتصاد کوپنی و آزاد انداخت. اگر اقتصاد ایران بخواهد به سمت کوپنی شدن برود، اساساً برگشت به ۴۰ سال قبل است. سیستم کوپنی که همان تقویت اقتصاد دولتی است، در تمام دنیا با فساد، ناکارآمدی اقتصادی و در نهایت شکست مواجه بوده است و توصیه نمی‌شود.

اما اگر اقتصاد بخواهد آزادسازی شود، در شرایط فعلی مفهوم آن سرمایه‌داری محض و پذیرش افزایش فاصله طبقاتی در جامعه است. این حداقل نتایجی است که اقتصاد آزاد برای ایران به همراه خواهد داشت. ما الآن چندین میلیون بیکار داریم، بسیاری از کارخانه‌های کشور تعطیل هستند و تورم هم در یکسال اخیر افسار گسیخته رشد کرده است. ضمن آن‌که با تحریم‌ها نیز مواج هستیم. به نظر نمی‌رسد که آزادسازی قیمت‌ها چاره مشکلات اقتصاد کنونی کشور باشد. تحمل آزادسازی نرخ ارز و آزادگذاشتن بانک‌ها در تعیین نرخ بهره دور از ذهن است. آزادسازی در حال حاضر باعث می‌شود که توان طبقه متوسط و ضعیف کاهش یابد. البته اگر شرایط نرمالی داشتیم، شاید می‌توانستیم به سمت اقتصاد آزاد حرکت کنیم. اما اکنون راه حل این نیست و ذهنیتی ایجاد می‌شود که با محروم شدن از درآمدهای ارزی در نتیجه تحریم‌ها، دولت برای فرار از هزینه‌های اقتصاد که بر دوش آن گذاشته شده و پرداخت بدهی‌ها به سیستم بانکی و بیمه‌انکاران به دنبال این راه است. مانند تلاش‌هایی که برای آزادسازی نسبی قیمت‌های حامل‌های انرژی کار شد. اما چاره کار آزادسازی قیمت‌ها نیست. این کار ۹۰ درصد کارمندان دولت و بیش از ۹۰ درصد کارگران را که زیر خط فقر قرار دارند، تحت فشارهای اقتصادی قرار خواهد داد.

آزادسازی قیمت بدون آن‌که زیرساخت‌ها فراهم باشد، فشار زیادی بر مردم وارد می‌کند و نتیجه آن علاوه بر از دست دادن طبقه متوسط و فقیر جامعه، ایجاد نوسان شدید اقتصادی و گسترش آسیب‌های اجتماعی خواهد بود. لذا باید راه سومی برای حل مشکلات اقتصاد پیدا کرد. به اعتقاد من راه حل سوم مدیریت هزینه‌ها و توجه به تولید است.

قدم اول باید صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت باشد. من چند پیشنهاد برای صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت پیشنهاد می‌کنم:

هر گونه اختصاص ارز دولتی برای محصولاتی که تولید آن در دست دولت و به عهده آن نیست، باید متوقف شود. نباید ارز دولتی به کالاهای این بخش اختصاص یابد. در همین حال برای مأموریت علمی، فرصت مطالعاتی و خرید اقدام خارجی غیر ضرور نباید ارز ۴۲۰۰ تومانی تأمین شود. این بخش باید با ارز آزاد مدیریت شود.

حقوق رئیس جمهوری، نمایندگان مجلس، وزیران و معاونان وزیر و وکلا و مدیران تا سقف مدیر کل باید براساس حداقل دستمزد کارگری تعریف شود و هر کس هم اعتراض کرد، این پست را ترک کند. قطعاً متخصصانی هستند که می‌توانند در این بخش کار کنند. در این سازوکار حقوق‌ها باید حداکثر ۵ برابر حداقل حقوق و دستمزد کارگری تعریف شود.

اگر قائل به این هستیم که در جنگ اقتصادی قرار داریم و در این شرایط، اقتصاد نمی‌تواند دولتی صرف شود یا نظام سرمایه‌داری را برای آن بپذیریم، باید در هزینه‌ها صرفه‌جویی کرد که در این راستا کاهش حقوق‌ها می‌تواند اقدامی نمادین نیز باشد.

نکته سوم که اساسی‌تر است اما با اولویت سوم باید انجام شود، فروش اموال دولتی است. دولت باید در سال جدید با یک سازوکار کاملاً علمی و دقیق و بدون اینکه به بیت المال خسارتی وارد شود، حدود ۹۰ درصد اموال و شرکت‌هایی را که در اختیار دارد به بخش خصوصی واقعی بفروشد. از این محل بخش عمده‌ای از هزینه‌ها تأمین خواهد شد.

این رقم می‌تواند بیش از تولید ناخالص ملی یک سال کشور باشد. دولت باید روی این موضوع متمرکز شود و از این طریق بخش عمده بدهی‌های خود را بپردازد. حتی این اقدام به رونق کسب و کار بخش خصوصی کمک می‌کند، اقتصاد را تا اندازه‌ای آزاد می‌کند و دولت را هم از کسری بودجه نجات می‌دهد. لذا این موضوع یک قدم اساسی و ساختاری است که باید انجام شود. هرچند که احتمالاً تمام مسئولان با آن مخالفت می‌کنند و برای آنها مفهوم این اقدام از دست دادن قدرت دولت است. اقدام بعد باید این باشد که یارانه‌ها برای حداقل ۸۰ درصد جامعه حذف شود. فقط ۲۰ درصد از یارانه‌ها که زیر خط فقر هستند و فقرشان احراز شده است باید مجاز به دریافت یارانه باشند. در این صورت ۳۰ هزار میلیارد تومان منابع آزاد می‌شود که دولت به کمک آن می‌تواند بدون استقراض از بانک مرکزی حتی خسارت سبل را هم بپردازد.

اگر این اقدامات انجام شود تا اندازه‌ای مشکلات رفع خواهد شد اما صلاح نیست که با آزادسازی قیمت‌ها بویژه در خصوص حامل‌های انرژی شرایط تورمی اقتصاد تشدید شود. قیمت حامل‌های سوخت باید در شرایطی تغییر کند که اقتصاد از ثبات قیمت‌ها و تورم یک رقمی برخوردار باشد.

در همین حال نباید اقتصاد را با کوپنی کردن به عقب بازگرداند. ما از اقتصاد صددرصد دولتی جلو آمده‌ایم اما هنوز بخش دولتی سبک و چالاک نشده است. با واگذاری‌ها این بخش تا اندازه‌ای چالاک می‌شود و بخش خصوصی قدرت می‌گیرد.

نکته دیگر تمرکز روی فعالیت‌های اقتصادی است. برای بهبود شرایط باید به تولید بپردازیم. این کار باید در هر شهرستانی به صورت مجزا صورت گیرد. مسائل و مشکلات بررسی شود و هیأت‌هایی ظرفیت‌ها، فرصت‌های شغلی و کسب و کارها را بررسی کنند. برخی از کارخانه‌ها با نقدینگی اندکی با رفع مشکلات حقوقی کارگران دوباره فعال خواهند شد. اگر به صورت محلی به موضوع نگاه کنیم، تا اندازه‌ای مشکلات اقتصاد و تولید حل می‌شود و راه حل اساسی هم این است. البته این اقدامات نیاز به متخصص دارد و متأسفانه به نظر می‌رسد، استانداران ما هیچ ذهنیت درستی نسبت به این موضوع ندارند. لذا باید از مشاوران اقتصادی استفاده کنند تا ظرفیت خالی صنایع شهرستان‌ها مورد استفاده قرار گیرد. نباید اجازه دهیم بیکاری و رکود عمیق‌تر شود.

در این بین دولت باید اولویت‌هایی نظیر خدمات گردشگری و کشاورزی را که اشتغال‌زاست، حمایت کند. ما منابع هم با فروش اوراق و اسناد خزانه اسلامی می‌تواند تأمین شود و از این طریق تا آنجایی که ممکن است نقدینگی در جامعه کم و تورم و رکود کنترل شود. لنگر گاه اصلی کنترل قیمت‌ها، به مدیریت تورم و نقدینگی بازمی‌گردد. برای کنترل تورم باید نقدینگی موجود را با فروش اموال، اوراق بهادار و اسناد خزانه اسلامی جمع‌آوری کرد. اگر تورم مدیریت شود و مردم احساس کنند تولید رو به رونق است، قیمت‌ها به مدیریت و اقتصاد با بحران خارج خواهد شد.

امرالله امینی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی:

## راهی جز اقتصاد متمرکز نداریم

■ تاکنون اقتصاد کشور وضعیتی میانه داشته، از نگاه عده‌ای بیشتر در دست دولت است و از نگاه عده‌ای دیگر هم بخش خصوصی توانسته بخش زیادی از آن را در دست بگیرد. اما با توجه به صحبت‌های مسئولان به نظر می‌رسد که حالا زمان انتخاب است. به نظر شما کدام گزینه می‌تواند در شرایط فعلی پاسخگوی نیازهای اقتصادی کشور باشد؟

اقتصاد باز با شروطی می‌تواند خوب باشد اما در شرایط فعلی که هم مشکلات اقتصادی داخلی داریم و هم تحریم هستیم، دولت این امکان را ندارد. به این ترتیب دولت در حال حاضر چاره‌ای جز اقتصاد دولتی ندارد.

■ چرا چنین امکانی برای دولت وجود ندارد؟

دلیل اصلی‌اش این است که در حال حاضر کل صادرکنندگان، کالا صادر کردند اما ارزشان را به داخل کشور نمی‌آورند. دولت هم نمی‌تواند در این زمینه اقدامی داشته‌باشد. دولت همین حالا هم ادعا می‌کند که صادرکنندگان حدود ۱۶ میلیارد را نیاورداند. این یک نوع اقتصاد آزاد است. در این شرایط دولت باید مانند زمان جنگ، مراکز تهیه و توزیع کالا را ببندد. در این شرایط دولت خودش مشخص می‌کند که چه کسانی کالایی را صادر کنند. همان‌طور که می‌دانید دولت در حال حاضر میزان زیادی ارز دولتی به افراد داده و اکثر آنها نیز این ارز را در بازار آزاد فروخته‌اند. به این ترتیب دولت چاره‌ای جز کنترل شدید واردات آن هم به شکل تشکیلاتی که مشابه آن را در زمان جنگ و بعد از جنگ داشتیم، ندارد. برای مثال باید مراکز تهیه و توزیع کاغذ یا مراکز تهیه و توزیع فلزات و امثال آن ایجاد کند. در گذشته تعدادی از این مراکز وجود داشت. دولت دوباره باید این‌ها را راه‌اندازی کند، سپس براساس برنامه و همچنین ارزی که دارد، میزان مشخصی از ارز را به این مراکز تخصیص بدهد. این افراد حق فروش برای خودشان ندارند بلکه باید تاج دولت باشند. هر جا که دولت دستور داد، همان جا باید کالاها به فروش برسد. دولت راهی غیر از این ندارد.

■ شما گفتید که اقتصاد باز خوب است اما در شرایط فعلی جواب نمی‌دهد. به چه دلیل اقتصاد آزاد پاسخگوی شرایط فعلی نیست؟

اقتصاد باز، شرایطی می‌خواهد؛ اولین نکته سوم که اساسی‌تر است اما با اولویت دوم باید انجام شود، فروش اموال دولتی است. دولت باید در سال جدید با یک سازوکار کاملاً علمی و دقیق و بدون اینکه به بیت المال خسارتی وارد شود، حدود ۹۰ درصد اموال و شرکت‌هایی را که در اختیار دارد به بخش خصوصی واقعی بفروشد. از این محل بخش عمده‌ای از هزینه‌ها تأمین خواهد شد. این رقم می‌تواند بیش از تولید ناخالص ملی یک سال کشور باشد. دولت باید روی این موضوع متمرکز شود و از این طریق بخش عمده بدهی‌های خود را بپردازد. حتی این اقدام به رونق کسب و کار بخش خصوصی کمک می‌کند، اقتصاد را تا اندازه‌ای آزاد می‌کند و دولت را هم از کسری بودجه نجات می‌دهد. لذا این موضوع یک قدم اساسی و ساختاری است که باید انجام شود. هرچند که احتمالاً تمام مسئولان با آن مخالفت می‌کنند و برای آنها مفهوم این اقدام از دست دادن قدرت دولت است. اقدام بعد باید این باشد که یارانه‌ها برای حداقل ۸۰ درصد جامعه حذف شود. فقط ۲۰ درصد از یارانه‌ها که زیر خط فقر هستند و فقرشان احراز شده است باید مجاز به دریافت یارانه باشند. در این صورت ۳۰ هزار میلیارد تومان منابع آزاد می‌شود که دولت به کمک آن می‌تواند بدون استقراض از بانک مرکزی حتی خسارت سبل را هم بپردازد.

اگر این اقدامات انجام شود تا اندازه‌ای مشکلات رفع خواهد شد اما صلاح نیست که با آزادسازی قیمت‌ها بویژه در خصوص حامل‌های انرژی شرایط تورمی اقتصاد تشدید شود. قیمت حامل‌های سوخت باید در شرایطی تغییر کند که اقتصاد از ثبات قیمت‌ها و تورم یک رقمی برخوردار باشد.

در همین حال نباید اقتصاد را با کوپنی کردن به عقب بازگرداند. ما از اقتصاد صددرصد دولتی جلو آمده‌ایم اما هنوز بخش دولتی سبک و چالاک نشده است. با واگذاری‌ها این بخش تا اندازه‌ای چالاک می‌شود و بخش خصوصی قدرت می‌گیرد.

نکته دیگر تمرکز روی فعالیت‌های اقتصادی است. برای بهبود شرایط باید به تولید بپردازیم. این کار باید در هر شهرستانی به صورت مجزا صورت گیرد. مسائل و مشکلات بررسی شود و هیأت‌هایی ظرفیت‌ها، فرصت‌های شغلی و کسب و کارها را بررسی کنند. برخی از کارخانه‌ها با نقدینگی اندکی با رفع مشکلات حقوقی کارگران دوباره فعال خواهند شد. اگر به صورت محلی به موضوع نگاه کنیم، تا اندازه‌ای مشکلات اقتصاد و تولید حل می‌شود و راه حل اساسی هم این است. البته این اقدامات نیاز به متخصص دارد و متأسفانه به نظر می‌رسد، استانداران ما هیچ ذهنیت درستی نسبت به این موضوع ندارند. لذا باید از مشاوران اقتصادی استفاده کنند تا ظرفیت خالی صنایع شهرستان‌ها مورد استفاده قرار گیرد. نباید اجازه دهیم بیکاری و رکود عمیق‌تر شود.

در این بین دولت باید اولویت‌هایی نظیر خدمات گردشگری و کشاورزی را که اشتغال‌زاست، حمایت کند. ما منابع هم با فروش اوراق و اسناد خزانه اسلامی می‌تواند تأمین شود و از این طریق تا آنجایی که ممکن است نقدینگی در جامعه کم و تورم و رکود کنترل شود. لنگر گاه اصلی کنترل قیمت‌ها، به مدیریت تورم و نقدینگی بازمی‌گردد. برای کنترل تورم باید نقدینگی موجود را با فروش اموال، اوراق بهادار و اسناد خزانه اسلامی جمع‌آوری کرد. اگر تورم مدیریت شود و مردم احساس کنند تولید رو به رونق است، قیمت‌ها به مدیریت و اقتصاد با بحران خارج خواهد شد.

راه دیگری هم ندارید.

■ اما طرفداران اقتصاد آزاد معتقدند که بالاخره باید از جایی این رویه را شروع کرد. واقعیت این است که این افراد نمی‌دانند. آنها نمی‌دانند که چنین چیزی عملی نیست. اقتصاد آزاد به کشوری مربوط می‌شود که سیاست خارجی آزادی داشته‌باشد. به قول معروف، کشوری می‌تواند اقتصاد آزاد داشته باشد که بتواند براحتی سایر کشورها را به چالش بکشد و در عین حال داد و ستد کند. اما در کشور ما شرایط فرق دارد، وقتی امریکا ما را تحریم کرده، نمی‌توانیم با بانک‌های جهانی ارتباط داشته‌باشیم. کسی که معتقد است باید از یک‌جا شروع کرد، بیاید و بگوید چطور می‌توان با بانک‌های خارجی ارتباط برقرار کرد و از آنها درخواست کرد که پول ما را بدهند. الان فرستادن پول فقط بواسطه صرافی‌ها انجام می‌شود که هزینه زیادی به همراه دارد. به این ترتیب شاید در یک شرایط خاص بتوان به سوی اقتصاد آزاد قدم برداشت اما در حال حاضر ما چنین شرایطی را نداریم.

■ اصول اقتصاد دولتی را چه چیزهایی تشکیل می‌دهد؟ در چه شرایطی می‌توان گفت که اقتصاد دولتی شده است؟



اصول اقتصاد دولتی این است که دولت به خاطر محدودیت‌هایی که دارد، ارز را به کالاهایی تخصیص بدهد که خودش می‌خواهد. یعنی دولت نیازها را اولویت‌بندی می‌کند. وقتی اولویت‌بندی کرد، براساس آن، ارز را تخصیص می‌دهد. دلایلش هم این است که عده‌ای از افراد می‌کنند. تا دو سال پیش تنها ۱۴ واردکننده گوشت داشتیم اما اکنون بیش از ۱۴۷ شرکت در این زمینه به ثبت رسیده‌است. به‌نظر می‌رسد که خیلی از این‌ها می‌خواهند ارز دولتی را بگیرند و در اموری غیر از واردات از آن استفاده کنند. پس در شرایط فعلی، تنها راهی که به عدالت هم نزدیک است، مداخله مستقیم دولت است.

■ پس دولت باید خودش دست به کار شود.

بله، البته دولت خودش هم باید خودش را جمع‌وجور کند. دولت باید قوی، کارا و متخصص باشد. پس خود دولت هم باید حضور ترین اقتصادهای دولتی که می‌توانند الگوی ما باشند در دنیا کدام کشورها هستند؟

در برخی از نقاط دنیا، اقتصاد دولتی قوی است. برای مثال دولت در چین در زمینه قانون‌گذاری دستش باز است و بسیار قوی عمل می‌کند. این دولت، دست بخش خصوصی را هم باز گذاشته اما این بخش خصوصی کاملاً کنترل شده است. ژاپن هم بخش خصوصی دارد اما این بخش کاملاً کنترل شده است. در کشورهای حوزه اسکاندیناوی مثل نروژ و فنلاند هم اقتصادهایی داریم که ظاهرشان آزاد است اما در حقیقت مختلط هستند. یعنی هم دولت دخالت دارد هم بخش خصوصی. اصولاً وضع مطلوب آن جایی است که دولت بتواند کالاهای عمومی را داشته‌باشد. یعنی دولت باید از بازار گرفته تا بهداشت و آموزش را کنترل کند

«ایران» از حکمرانی ۳۰ ساله کالابرگ بر اقتصاد گزارش می‌دهد

## ظهور و افول کوپن

سیاوش رضایی

خبرنگار

برگه‌های رنگارنگ «کوپن» زمان زیادی نیست که از اقتصاد ایران رخت بر بسته است. تا سال‌های پایانی دهه ۸۰ شمسی، رسانه‌ها اخبار اعلام کالابرگ‌ها را در صفحات نخست خود جای می‌دادند و خبرنگاران در نشست‌های خبری آن شرکت می‌کردند. کوپن برای مدت ۳۰ سال بر اقتصاد ایران سیطره داشت، دوره‌ای که نشانه‌های افول و پایان آن در ماه‌های نخست سال ۱۳۸۹ که پس از شش ماه از اعلام آخرین شماره کوپن قند و شکر خبری از شماره‌های جدید آن نشد، نمایان شد. در این دوره دولت وقت در تدارک «هدفمندی یارانه‌ها» برای جایگزینی سیستم کوپنی بود تا یارانه از ماه‌های پایانی دهه ۸۰ جای کوپن را بگیرد. موضوعی که در شهریور سال ۹۰ به‌طور رسمی از سوی مهدی غضنفری وزیر وقت بازگانی رسانه‌ای و اعلام شد که باید با سیستم کوپنی خدا حافظی کنیم، اکنون بعد از هفت سال که برگه‌های ۱۳ مرحله کوپن به خاطرات تبدیل شده است، یکبار دیگر زمه‌های بازگشت کوپن البته با شکل مدرن‌تر خود شنیده می‌شود.

جهش نرخ ارز از زمستان سال ۱۳۹۶ که با خروج امریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها از دیپشمت سال گذشته تشدید شد، باعث شد تا دولت برای تأمین ارزان کالاهای اساسی، ۱۰۵ میلیارد دلار ارز با نرخ ۴۲۰۰ تومان برای واردات ۲۵ قلم کالا اختصاص دهد. روندی که قرار بود در سال جاری نیز با رقم ۱۴ میلیارد دلاری تداوم یابد. اما در مان نماندن این دسته از کالاها از افزایش قیمت‌ها، دولت را به این نتیجه رساند که روش خود را تغییر دهد. در این زمینه مجلس نیز دولت را مکلف کرد که با روش دیگری اعتبار اختصاص یافته برای کالاهای اساسی را به دست مردم برساند. در کنار پرداخت نقدی

مابه تفاوت نرخ ارز دولتی و آزاد به مردم و کمک به تولیدکنندگان، روش سومی که مطرح شد، بازگشت کوپن به اقتصاد بود که با شکل و شمایل الکترونیک این نقش را بازی کند. در همین راستا، بانک مرکزی با راه‌اندازی بستر استفاده از کارت ملی و دستگاه‌های کارخوان گام نخست را در این زمینه برداشت. با وجود این، اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در این زمینه به‌تازگی به اشاره به مشکلات اقتصادی موجود، کارشناسان را برای انتخاب دوره‌ای اقتصاد دولتی یا آزاد دعوت به مشورت کرد.

■ تولد ستاد بسیج اقتصادی

مرور اقتصاد ایران در چهار دهه گذشته

هزینه‌هایش را کم کند و کمی کوچک‌تر شود.

■ به نظر شما در حال حاضر اقتصاد مابه کدام‌سو نزدیک‌تر است؟ اقتصاد آزادی دولتی؟

اقتصاد ما ملغمه‌ای است از همه چیز، دولتی و خصوصی.

■ بسیاری از طرفداران جبهه راست بر این باورند که در حال حاضر بخش زیادی از اقتصاد در دست دولت است. حتی برخی می‌گویند ۸۰ درصد از اقتصاد در شرایط فعلی، اقتصاد دولتی است.

وقتی می‌گویند ۸۰ درصد دولت حضور دارد به این معنا نیست که اقتصاد دولتی شده‌است. در نظر داشته‌باشید که وزن‌ها فرق می‌کند. برای مثال در واردات کالاهای بخش خصوصی، صرفاً خود بخش خصوصی حضور دارد. اما در زمینه پتروشیمی و نفت دولت حضور پررنگ‌تری دارد. به همین خاطر است که برخی می‌گویند وزن دولت در تولید ناخالص داخلی بالاست. این حرف درست است اما در همه کالاهای به‌صورت متعادل توزیع نشده‌است. بازگانی داخلی را بیشتر مردم و بخش خصوصی تشکیل می‌دهد اما صادرات نفت و پتروشیمی در اختیار بخش

دو اقتصاددان از جناح‌های متفاوت در گفت‌وگ

## راه نجات اقتصاد از کد

نسیم بنایی

خبرنگار

یکی به نهادگرایان نزدیک است و دیگری مدافع اقتصاد آزاد است. امرالله امینی استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و علینقی مشایخی استاد دانشگاه صنعتی شریف در گفت‌وگو با «ایران» از راه‌های اقتصادی در شرایط فعلی سخن می‌گویند. امینی معتقد است اقتصاد دولتی تنه‌راهی است که به عدالت نزدیک است. از نگاه او در حال حاضر اقتصاد ایران ملغمه‌ای از همه چیز است، دولتی و خصوصی. اما آنچه اکنون باید در پیش گرفت و در



نمی‌آورند، دولت راهی ندارد جز اینکه خودش اقتصاد را در دست بگیرد.

■ به درازمدت چطور؟ آیا باید به سمت اقتصاد آزاد حرکت کنیم یا خیر؟

خیر. ما در نهایت هم نباید به سمت اقتصاد آزاد حرکت کنیم. وقتی می‌گویم وقتی از اقتصاد آزاد سخن می‌گویم یعنی اقتصاد باید مردمی باشد، هم مردم دخالت داشته باشند هم بخش خصوصی. قرار نیست وقتی آزاد شد، همه آزادانه بتوانند در اقتصاد آزاد سخن می‌گویم یعنی اقتصاد باید مردمی باشد، هم مردم دخالت داشته باشند هم بخش خصوصی. قرار نیست وقتی آزاد شد، همه آزادانه بتوانند در اقتصاد شرکت کنند. هر کسی که ورود پیدا می‌کند باید اهلیت تولید داشته باشد. کسی که می‌خواهد کارخانه‌داری کند باید سرشته این کار را داشته باشد. در غیر این صورت کارخانه‌ها به فروش می‌رود.

و خبری از بخش خصوصی نخواهد بود. نباید شرکت‌ها و کارخانه‌ها در دست افراد رانت‌خوار بیفتند. این بدترین شکل عدالت خواهد بود و ما نمی‌توانیم این کار را انجام بدهیم

ولی خرید و فروش و کارخانه‌داری را باید بتدریج به مردم بسپارد. تأکید می‌کنم که این اتفاق باید بتدریج رخ بدهد. نکته مهم این است که در این کشورها دولت نظارت بسیار قوی دارد. دولت باید ساختاری داشته‌باشد که نظارت بیشتری کند و بتدریج بخش‌هایی را به بخش خصوصی بسپارد. اما این اتفاق باید در شرایط عادی رخ بدهد. در شرایط فعلی کشور ایران، چنین امکانی وجود ندارد.

■ به این ترتیب مادر حال حاضر اقتصاد تقریباً مختلط داریم و تنها راهمان این است که به سمت اقتصاد دولتی حرکت کنیم. بله، اقتصاد ما در حال حاضر مختلط است اما به خاطر شرایط خاصی که داریم به‌صورت کاملاً اجتناب‌ناپذیر، دولت باید دخالت بیشتری داشته‌باشد. دولت نمی‌تواند اقتصاد را آزاد بگذارد چرا که آزادی‌ها امتحان خود را پس داده‌اند. نمونه‌اش افرادی که از راهبشان را به ایران نمی‌آورند. وقتی افراد موجه ارزشان را

کوپن‌های شهری آبی و کرم روشن بود. کوپن‌های مرحله اول تا هشتم که در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۸ را پوشش داد. هر کوپن تحویلی از ۵۰ قطعه قابل جدا شدن از هم تشکیل شده بود که درج حروف الفبای آن نوع کالا را مشخص می‌کرد.

■ انتقال ستاد بسیج اقتصادی به وزارت بازرگانی

پس از گذشت ۱۰ سال از اجرای سیستم کوپنی در کشور، شرایط اقتصادی کشور به‌دلیل پایان یافتن جنگ تغییر یافته بود و اقتصاد وارد دوره سازندگی خود شده بود. بر همین اساس بتدریج نقش اقتصاد کوپنی کم‌رنگ شد و دولت وقت با هدف کاهش تصدی‌گری خود در اقتصاد بخشی از تأمین کالاها را به بازار سپرد. در همین راستا، هیات وزیران در ۲۳ اسفند ماه سال ۱۳۶۸ در مصوبه‌ای ستاد بسیج اقتصادی را به وزارت بازرگانی وقت منتقل کرد.

■ توزیع کوپن‌های مرحله نهم

گرچه کشور از شرایط جنگی خارج شده بود ولی دولت سیستم کوپنی را به‌عنوان ابزاری برای تنظیم و نظارت بر بازار حفظ کرد. بر همین اساس، نهمین مرحله توزیع کوپن‌های ارزاق عمومی به‌عنوان اولین مرحله پس از جنگ توسط وزارت بازرگانی که به تازگی مسئولیت آن را برعهده گرفته بود، توزیع شد. توزیع مرحله نهم کوپن در سال ۱۳۶۹ آغاز و تا سال ۱۳۷۲ ادامه یافت. در این مرحله روغن (۲۵۰۲ کیلو

استان‌ها شد و نیز این استان‌ها به کالاهای اساسی افزایش یافت. بر همین اساس یک ماه پس از تشکیل ستاد بسیج اقتصادی یعنی در آبان ۱۳۵۹ که دستور شورای عالی دفاع ستاد‌هایی تحت عنوان «بسیج خدمات عمومی» در هر منطقه ایجاد شد که وظیفه آن آمارگیری از جمعیت هر محله، جلب همکاری پزشکان و پرستاران و تهیه و توزیع کارت‌های ارزاق عمومی بود. نتیجه تشکیل ستاد بسیج اقتصادی و ستادهای بسیج خدمات پدید آمدن «کوپن» و دفترچه‌های بسیج اقتصادی بود تا از این طریق ضمن کوتاه شدن دست سودجویان اقلام ضروری مردم به مساوات به دست آنها برسد.

■ توزیع اولین مرحله کوپن

بدین ترتیب نخستین مرحله کوپن‌های ارزاق عمومی در آبان ماه سال ۱۳۵۹ چاپ و در دی ماه توزیع شد. در این دوره ۱۰ قلم کالا شامل روغن نباتی، قند و شکر، برنج، پودر شوینده، صابون، بنپیر، کره، مرغ، تخم مرغ و گوشت قرمز از طریق کوپن‌های طراحی شده توزیع می‌شد. کوپن‌های مرحله اول تا هشتم که تحت نظارت ستاد بسیج اقتصادی مستقر در نهاد نخست‌وزیری و با همکاری بانک صادرات چاپ و توزیع می‌شد، با رنگ‌های متفاوتی برای مناطق شهری و روستایی طراحی شده بود که روی آن تعداد خانوار نیز درج شده بود. رنگ زمینه کوپن‌های روستایی آبی و رنگ زمینه کوپن‌های مرزی باعث مهاجرت به سایر